

## میرزا احمد ملال دزکی پیشگام نگاه عرفانی در ادبیات عاشورایی

مهدی طهماسبی<sup>۱</sup>

### چکیده

میرزا احمد ملال دزکی، شاعر قرن دوازدهم و سیزدهم هجری، سخنوری توانا و در عین حال ناشناخته در حوزه ادبیات آیینی به‌ویژه عاشورایی است. دیوان اشعار او سرشار از سوگ سروده‌ها و مراثی جانسوز و زیبایی است که ارادت و دل‌باختگی اش را به اباعبدالله الحسین<sup>(ع)</sup> نشان می‌دهد. شاید بزرگ‌ترین ویژگی شعری میرزا احمد ملال را باید در اشعار عاشورایی و سوگ سروده‌های ماندگار او جست‌وجو کرد. حدود هفتاد درصد از دیوان اشعار ملال را مراثی و غم‌ناله‌هایش تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مرثیه‌های وی، داشتن نگاه عرفانی و استفاده از ظرفیت مطالب و رویکردهای عرفانی برای اندیشه‌های عاشورایی و حوادث جانسوز روز دهم و نهضت خونین حسینی است. در بند نخستین یکی از ترکیب‌بند‌هایش، میرزا ملال، نگاهی نو به مخاطب اشعار عاشورایی عرضه می‌کند؛ آنچه که باید پیش‌گامی او را در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه‌اندیش به عاشورا تأیید نموده و نشان می‌دهد که او پیش از صفی‌علیشاه اصفهانی و میرزا نورالله عمان سامانی به این رویکرد توجه داشته است.

واژه‌های کلیدی: ملال دزکی، نگاه عرفانی، ادبیات عاشورایی، مراثی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد. tahmaseby85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷

## ۱. معرفی کوتاه ملال و خاندانش

یکی از شعرای توانا و در عین حال ناشناخته ادب فارسی، مرحوم ملال دزکی است. درباره ملال، اطلاعات تاریخی اندکی وجود دارد و بیشتر ارباب تذکره‌ها و شرح حال‌نویسان از او یادی نکرده‌اند و صرفاً اهالی اهل ادب خطه دزک، از این شاعر دل‌سوخته نامی آورده و درباره او مطالبی نوشته‌اند؛ «نامش میرزا احمد، متخلص به ملال، فرزند ملا عبدالصمد و زادگاهش قریه دزک می‌باشد» (شایان، ۱۳۷۸: ۱۱۳۵). در باب سال تولدش، در هیچ یک از منابع اشارتی نرفته است؛ اما با توجه به قطعه شعری که مرحوم عمان سامانی در کتاب مخزن الدرر به نقل از کتاب مجمع الانساب پدرش میرزا عبدالله ذره سامانی از جد ملال، زنده‌یاد ملاحسین کرچگانی نقل نموده، قطعاً تولد میرزا احمد ملال باید بعد از سال ۱۱۷۳ ه.ق باشد.

دو فرزندم کرامت کرده او با طالع فرخ

یک از هاشم، یک از عبدالصمد مانند دو گوهر

عطا بنمود اندر دو جمادی آن دو گوهر را

به سال یک هزار و یک صد و هفتاد و سه داور

الهی، در جهان باشند دائم با ادب مدغم

الهی، در زمان باشند دائم با هنر مضممر

به دین احمد مرسل به منهاج علی، یارب

یقین هر دوشان صادق کنی در مذهب جعفر

(عمان سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷۰)

## ۱-۱. خاندان ملال

خاندان ملال اهل علم و ادب بودند و به تصریح عمان سامانی که خود از جانب مادری از این خاندان بوده، ملا حسین کرچگانی شاعری اهل فضل بوده است. پدر میرزا احمد ملال، شخصیتی است فرهیخته به نام «حجت الاسلام آخوند ملاعبدالصمد ملالی از علمای دینی و مروجین مذهبی در منطقه کیار در ۳۵ کیلومتری شهرکرد که صاحب تألیفاتی نیز بوده که متأسفانه در گذر ایام مفقود گردیده است» (ملال، ۱۳۷۹: ۱۹). ملاعبدالصمد ملالی که از ذوق شعری بهره‌مند بود، «وقت را غنیمت شمرده، باده‌ای از ساغر عرفان چشیده و ریاضت تحصیل هرگونه علم کشیده و صاحب ذهن کافی و مدرک صافی بوده و همچون پدرش، اهل شاگردپروری و مکتب‌داری بوده و به قول میرزا عبدالله ذره سامانی، چند سال است از باب شخصیت او به تأدیب و تعلیم اطفال اشتغال داشته» (عمان، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

ملاعبدالصمد ملالی ۷۵ سال عمر کرد و «تولدش در سنه ۱۱۴۵ هـ.ق. و وفاتش در سال ۱۲۲۰ هـ.ق. اتفاق افتاده است» (بنی طالبی، ۱۳۸۹: ۲۵۷) و به قول ذره «دست از این سرای سپنج سراسر محنت و رنج، شسته و در سرمنزل جاودان مأوا جسته رحمه الله علیه، مدفنش در جوار پدر می‌باشد» (عمان، ۱۳۸۷: ۱۷۱). در باب آثار و اشعار او، ظاهراً به گزارش ذره سامانی در مجمع‌الانساب وی «کتابی موسوم به حسن دلف در بحر مثنوی، حسب‌الخواهش همت مرحوم به نظم درآورده. الحق همت بزرگی کرده. کتابی است دلپسند و تازه؛ بلکه عروسی مستغنی از وصمیت و سمیه و غازه» (همان، همان‌جا) و دردا و دریغا که این مثنوی زیبا و ارزشمند «از قرار معلوم به دست مفلسی بی‌مایه افتاده و در قحط‌سالی آن را با مقداری ارزن مبیعه و مبادله نموده است» (بنی طالبی، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

## ۲-۱. زادگاه ملال

روستای دزک که زادگاه میرزا احمد ملال عنوان شده، روستایی است خوش آب و هوا با فرهنگی درخشان که در سال ۱۳۸۵ تا ۳۵۰۰ نفر جمعیت داشت. مردم روستای دزک به زبان فارسی سخن می‌گویند و مسلمان و پیرو مذهب شیعه جعفری هستند. این روستا در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرکرد، مرکز استان چهارمحال و بختیاری قرار دارد که در روزگار قاجاریه، مقرر حکومتی لطفعلی خان امیرمفخم، از حاضرین و تأثیرگذاران خوانین بختیاری در مشروطه و فرزندانش بود و هنوز قلعه تاریخی آن، یادگار روزهای حضور این خان در دزک است. مرحوم مظفر بختیار بر این باور است که:

«دزک در فصل‌های مناسب، میعادگاه شاعران و هنرمندان شهرنشین و روستاپرور می‌گردید. اوقات خوش و ایام فرح‌بخش و دلگشای اقامت را در گلگشت و تماشا با بزم شعر و ادب پرنشاط و بارور می‌ساختند. طی همین ملاقات‌ها و محفل‌ها و در واقع تشکیل درسگاه‌های ادبی سیار بود که صاحبان قریحه و سرایندگان مستعد محلی چون میرزا احمد ملال دزکی متوفی ۱۲۸۰ هـ.ق در محیطی ساده و بدون تکلفات و داعیه‌های ادب تعلیمی اهل مدرسه از مبشرین بهره‌های واقعی و کارآمد ذوقی و ادبی برخوردار می‌شدند» (ملال، ۱۳۷۹: ۱۶).

## ۳-۱. شغل ملال

میرزا ملال در اشعارش از شغل خویش حرفی به میان نیاورده است؛ اما شغل و پیشه‌اش را این‌گونه نوشته‌اند که «وی سالیان دراز در قراء دزک، گهرو و بلداجی به شغل مکتب‌داری و نشر معارف مشغول» بوده است (شایان، ۱۳۷۸: ۱۱۳۵). وی در بسیاری از مناطق منبر و عظ و خطابه داشته و در راه گسترش و نشر معارف اسلامی و آموزه‌های متعالی دین مبین اسلام، از جان و دل می‌کوشیده است.

در کنار شغل مکتب‌داری و پرورش شاگردان که امری خانوادگی و موروثی و برای

وی افتخاری بوده، همچون بسیاری دیگر از بزرگان و شاعران صاحب‌نام عصر صفویه و قاجاری نظیر وصال شیرازی، با توجه به بهره‌مندی از خط نیکو، چشم‌نواز و به تعبیر اهل فن هفت قلمی، قرآن می‌نگاشته و به استنساخ و رونویسی نسخ کاربردی و علمی مشغول بوده است و «چند جلد کتاب دست‌نویس از خود جای گذاشته است. از جمله کتابی به نام اربعین که تاریخ تحریر آن، شهر رمضان المبارک سنه ۱۲۷۵ من الهجرة النبوی می‌باشد» (ملال، ۱۳۷۸: ۵) و این نگارش تا آخرین روزهای عمر بابرکتش ادامه داشته است.

#### ۱-۴. وفات ملال

میرزا احمد ملال حدود یک قرن عمر کرد. تاریخ وفاتش را بیستم ماه رمضان سال ۱۲۷۵ هـ.ق. نوشته‌اند؛ هرچند دکتر مظفر بختیار این تاریخ فوت را سال ۱۲۸۰ هـ.ق. عنوان کرده است (ملال، ۱۳۷۹: ۱۲) وی بعد از وفات، در قبرستان قدیمی روستای دزک دفن شد.

#### ۲. آثار ملال

میرزا احمد ملال دزکی شاعر پرکار و خوش‌سخنی بود و آثار و اشعار فراوانی از خود به یادگار نهاده است. در ادامه آثار وی معرفی و بررسی خواهد شد.

#### ۲-۱. دیوان اشعار

در سال ۱۳۷۹ هـ.ش. دیوانی از میرزا ملال دزکی به کوشش یکی از نوادگانش به نام مصطفی ملالی، منتشر شده که بیشتر حاوی غزلیات، مرثیه‌ها، سوگ‌سروده‌ها و چکامه‌های آیینی اوست و می‌توان گفت این کار مشوش و پرغلط، فقط تلاشی است برای محفوظ ماندن این اشعار و سروده‌ها از دستبرد تطاول و دست‌اندازی روزگار و حرکتی است که این آثار را از خطر نابودی رهانیده و در صحیفه ماندگاری ثبت و

ضبط نموده است؛ و الا ضرورت داشت که این آثار تفکیک شده و شناخت‌نامه‌ای درخور این شاعر تلاشگر، مخلص و اهل دل ترتیب داده شود و اشعار به‌جامانده از وی، دسته‌بندی و با دقت نظر در اختیار اهل ذوق قرار داده شود.

#### ۱-۱-۲. غزلیات

غزلیات به‌جامانده از میرزا ملال که سال‌ها بعد از فوتش در مجموعه‌ای به نام انیس العشاق گردآوری و تدوین شد، دربردارنده ۱۷۰ غزل اوست که تا قافیه‌های ختم‌شده به میم را شامل می‌شود و کامل نیست.

#### ۲-۱-۲. قصاید و رباعیات

قصاید و چامه‌ها و مسمط‌ها شامل سروده‌های مدحی و ستایش سروده‌هایی در مدح و منقبت ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> با حال و هوای قصاید سبک خراسانی و همچنین تعداد ۳۰ رباعی است.

#### ۳-۱-۲. ترکیب‌بندها

در میان اشعار میرزا ملال، سه ترکیب‌بند وجود دارد که به پیروی از مرحوم محتشم کاشانی سروده است. دو تا از این ترکیب‌بندها مشخص و یکی دیگر به صورت پراکنده در دیوان آن مرحوم وجود دارد. نخستین اثر منتشرشده از میرزا ملال هم ترکیب‌بندی است که در سال ۱۳۷۷ ه.ش. به اهتمام آقای علی‌رحم شایان در انتشارات فرخ‌شهرمنتشر کرده است

#### ۴-۱-۲. مثنوی مرثیه

ظاهراً آنچه در دیوان منتشرشده ملال موجود است، باید منظومه‌ای مجزا و به‌هم پیوسته

با ۶۵۰ بیت در بحر رمل و بر وزن مثنوی مولانا باشد. مثنوی مرثیه گویای تقدم زمانی میرزا ملال بر نام‌آوران عرصه مثنوی سرایی عاشورایی همچون میرزا نورالله عمان سامانی و صفی‌علیشاه اصفهانی است. این پیشگامی باید به صورت مجزا و قابل اعتنا در عرصه ادبیات پویای عاشورایی و آیینی بررسی شود.

## ۲-۱-۵. کتاب مرثیه

هرچند در دیوان ملال دزکی مرثیه‌ها، سوگ سروده‌ها، نوحه‌ها، قصاید اندوه و اشعار تعزیه‌ای در کنار هم گردآوری و ارائه شده و هیچ‌گونه دسته‌بندی موضوعی و منطقی در این زمینه صورت نپذیرفته است؛ اما قطعاً می‌توان گفت که کتاب مرثیاتی میرزا ملال، کتاب مستقلی است که به حادثه جانسوز، خونین و مانای عاشورای حسینی با توجه به همه عناصر زمانی، مکانی و انسانی پرداخته و از این حیث کتابی است ارزشمند و درخور توجه. البته در آن نام و نشانی از مرثیاتی دیگر حضرات اهل بیت<sup>(ع)</sup> هم دیده می‌شود.

## ۲-۲. منظومه حماسی

در مقدمه دیوان ملال از منظومه‌ای حماسی نام برده شده؛ «منظومه‌ای حماسی به سبک شاهنامه فردوسی که در آن تاریخ اسلام را به نظم کشیده است» (ملال، ۱۳۷۹: ۲۵). از تعداد ابیات این منظومه حماسی که در بحر متقارب سروده شده است، خبری در دست نیست؛ هرچند به گواه شاهدان، هنوز نسخه‌هایی کامل و ناقص از آن در دست برخی از افراد استان چهارمحال و بختیاری وجود دارد.

## ۲-۳. شرح لمعه

ظاهراً مرحوم میرزا احمد ملال علاوه بر عرصه نظم و شاعری، در نگارش و تألیف آثار منشور هم دستی داشته است. «شاعر خود نیز در علوم متداوله زمان متبحر بوده.

آثار برجای مانده از وی نشان‌دهنده آشنایی او به تفسیر قرآن و علوم فقهی می‌باشد» (همان: ۱۹). از آثار منشور وی می‌توان به شرح لمعه اشاره کرد که به صورت خطی بوده و هنوز منتشر نشده است. (همان: ۱۹)

### ۳. ارادت به اهل بیت<sup>(ع)</sup>

حجم زیادی از دیوان ملال را سوگ سروده‌ها و ستایش‌های آیینی و مدایح تشکیل می‌دهد. او شاعری است که توانمندی و هنر شاعری خویش را وقف آستان دوست کرده و به همین خاطر، می‌توان او را شاعری آیینی برشمرد. این ویژگی نقطه ثقل کلام و شعر ملال به شمار می‌رود. وی خویشتن را دل‌باخته امام علی<sup>(ع)</sup> معرفی می‌کند.

واعظ از سلسله عقل چو بگریخت، ملال!

مکنش منع که دیوانه ماه عرب است

(همان: ۳۵)

وی دل‌بستگی و محبت ولایت‌مداران<sup>(ع)</sup> ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> را گره‌گشای فتنه‌های خانمان سوز آخرالزمان می‌داند:

ایمن شود ز فتنه آخرزمان، ملال!

هرکس که دل به دوستی هشت و چار بست

(همان: ۲۱۸)

و از خداوند متعال خاضعانه، افزونی مهر و علاقه به پیامبر خاتم، حضرت محمد<sup>(ص)</sup> را برای خویش آرزو می‌کند:

علام مجیدی و حمیدی و حلیمی

لبریز دلم را بکن از مهر پیمبر

(همان: ۱۷۲)



#### ۴. پیشگامی در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه به عاشورا

شاید بزرگ‌ترین ویژگی شعری میرزا احمد ملال را باید در اشعار عاشورایی و سوگ سروده‌های ماندگار او جست‌وجو کرد. حدود هفتاد درصد از دیوان اشعار ملال را مرثی و غم‌ناله‌هایش تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های مرثیه‌های او، داشتن نگاه عرفانی و استفاده از ظرفیت مطالب و رویکردهای عرفانی برای اندیشه‌های عاشورایی و حوادث جان‌سوز روز دهم و نهضت خونین حسینی است.

میرزا ملال در بند نخستین یکی از ترکیب‌بندهاش، نگاهی نو به مخاطب اشعار عاشورایی عرضه می‌کند؛ نگاهی که پیش‌گامی او را در ارائه نگاه عرفانی و عاشقانه‌اندیش به عاشورا تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که او پیش از صفی‌علیشاه اصفهانی و میرزا نورالله عمان سامانی به این رویکرد توجه داشته است.

ساقی چه از ازل می غم در پیاله کرد

عشاق را به محنت و ماتم حواله کرد

از انبیا و خیل اولی الامر هریکی

لب تربه قدر حوصله از آن پیاله کرد

آن جام را گرفت شه لب تشنه از شعف

بنمود نوش در ره حق ترک ناله کرد

هفتاد و دو ذبیح نثار طریق دوست

از شیرخوار و نوخط و هشتادساله کرد

و در غزل مرثیه‌ای شیوا این رویکرد را به پیشگاه عاشقان تقدیم می‌دارد:

سالک بیدای عشق رهرو کوی بلاست  
 آهوی صحرای عشق بسمل تیغ جفاست  
 بایدش اول قدم از سر و از جان گذشت  
 هرکه به معشوق خود بر سر عهد و وفاست  
 آن‌که می از ساغر بزم محبت کشید  
 سینه‌اش آماجگه بر دم تیر جفاست  
 هرکه دم از دوستی زد به منای نگار  
 بره قربانی‌اش اکبر گلگون‌قباست  
 بر سر هرکس که هست شورز سودای عشق  
 گه سر او بر نی و گاه به طشت طلاست  
 در صف میدان عشق هرکه به غیر از حسین  
 رفت پشیمان شد و گفت: نه این کار ماست  
 (همان: ۲۶۲)

## ۵. گریز به کربلا

یکی از ویژگی‌های خاص کلامی ملال در قصاید مدحیه‌اش این است که در عین ستایشگری امام علی<sup>(ع)</sup> و آنجا که عاشقانه به بیان مناقب حضرتش سرگرم است، گریزی به کربلا می‌زند و غمگنانه آه از نهاد برمی‌کشد و یادی از واقعه کربلا می‌نماید و عشق و علاقه‌اش به حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و یازان باوفایش را در کلامش نشان می‌دهد. این قبیل اشعار او را در زمره اشعار خاص وی باید برشمرد. ملال در ده

چکامه و مسمط از گریزهای عاشقانه استفاده کرده است.

سحر وزید ز دامان دشت باد بهار

شکفته شد گل و خندید غنچه در گلزار

ز شهر بند بقا در حصار ملک عدم

خزان گریخت چو پا در رکاب کرد بهار

به مدح حیدر صفدر امیر خیبرگیر

کشیده اند به صف قمریان هزار هزار

ز جان گذشته و خفته به جای پیغمبر

شدند عازم قتلش چو فرقه کفار

ندانم آنکه کجا بودی ای امیر حنین

چو یوسف تو به گرگان کوفه گشت دچار

برادر و پسرش در برابر و نظرش

زدند غوطه به خون تشنه کام و بسمل وار

فتاد از دم شمشیر آل بوسفیان

دو دست از تن عباسش از یمین و یسار

(همان: ۹۴)

یا در این مسمط گوید:

گرچه ز مدح تو شد شاد دل من شها

باز شرر زد به جان قصه کرب و بلا

آه از آن دم که شد خامس آل عبا

یگه و تنها روان سوی صف اشقیا

## کرد به یک سو نظر آن شه گلگون قبا

دید که یاران همه کرده سر و جان نثار

(همان: ۱۶۹)

## ۶. نگاه تعزیه‌ای

یکی از وجوه روایتگری در برخی اشعار مذهبی و به نوعی نوحه‌های ملال، نگاه تعزیه‌ای است. در این شعرها، شاعر همچون روایتگری ایفای نقش می‌کند که گویی منظومه‌ای قابل قبول و قابل اجرا برای تعزیه‌خوانی و شبیه‌خوانی‌ها سروده است. این اشعار ساده و مبتنی بر نظمند و در آن‌ها از مؤلفه‌های شاعرانه همچون صنایع و آرایه‌های ادبی بهره کمتری برده است؛ همچنین از عناصر مکانی، شخصیتی و زمانی مرتبط با حادثه خونین عاشورا نیز استفاده می‌کند.

ای زاده سعد بی بصیرت

ای ننگ عرب چه شد حمیت؟

هرچند ز مردمی بوی دور

هستی ز شراب کفر مخمور

من زنده و لشکر شقاوت

تازند به خیمه بهر غارت

گر با من تشنه کار دارید

رو سوی حرم سرا میارید

(همان: ۲۲۹)

پس آن نهنگ بحر فتوت به صد شتاب

از دجله و فرات برون شد، نخورد آب

(همان: ۲۲۸)

## ۷. شناخت نامه ارادت ملال

بهترین راه کسب آگاهی از اندیشه، باور و شناخت نامه میرزا ملال را باید اشعار شورانگیز و مراثی جان سوز وی دانست. او در شعرش عاشقانه به ریسمان محبت آل الله چنگ می زند:

علام مجیدی و حمیدی و حلیمی

لبریز دلم را بکن از مهر پیمبر

(همان: ۱۷۲)

ایمن شود ز فتنه آخزمان ملال!

هرکس که دل به دوستی هشت و چار بست

(همان: ۲۱۸)

از روز رستخیز چه غم داری ای ملال

دست من است و دامن ذریه رسول

(همان: ۷۵)

چون شد ملال نوحه گر اهل بیت تو

او را منه به فتنه ایام ای پدر

(همان: ۲۱۸)

وی مدحت و ستایش عترت آل طه را دولت عظمای خویش می‌داند:

بکن نطق مرا گویا به مدح عترت طاها

ز من این دولت عظمای مگیر ای فاتح خیبر

(همان: ۲۸۵)

او عاشقانه به ستایشگری مولا و مقتدایش افتخار می‌کند:

مقصد اصلی مرا از می بود حبّ علی

آن‌که باشد مصطفی را جانشین و جان‌نثار

من کجا و مدح او چون گفته در شأنش خدا

لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

(همان: ۲۷۴)

یا در مسمطی در مدح امام علی<sup>(ع)</sup>، با مقدمه‌ای خواندنی، اندیشه‌هایش را به

مخاطب عرضه می‌کند:

گرفت آهوی فلک دوباره بتره در برا

چمن چو لعبتان چین ز سبزه کرد معجرا

کشید بر سر خزان شه بهار لشکرا

به عزم آن‌که تا دهد به خصم سفله کیفرا

نموده و نهاده او ز حزم بر تن و سرا

ز حلقه‌های سنبل و شکوفه درع و مغفرا

گریست ابر آذری به مرگ دی چو در چمن

به صد نشاط غنچه را به خنده باز شد دهن

ز گاوچشم و بسدین ز پیل‌گوش و نسترن  
 ز اقحوان و ضیمران ز ارغوان و یاسمن  
 چه بلبل و چه قمری و چه طوطی شکرشکن  
 زدند صف به گلستان ز ایمنای ایسرا  
 و در گریزی عاشقانه به میخانه دردآشنایان مهرورز ورود پیدامی کند و به مدح  
 علی<sup>(ع)</sup> می پردازد.

از آن مئی که بی‌خبر نموده اهل حال را  
 نهاده جملگی ز سر هوای قیل و قال را  
 نموده سربه‌سر برون ز ملک دل خیال را  
 شدند طالب از وفا به نقد جان وصال را  
 بیا و دستگیر شو به جرعه‌ای ملال را  
 که بر سرش فزون کند خمار عشق حیدرا  
 (همان: ۱۲۸)

شعر و مرثیه‌های جانگداز ملال، نمایانگر پنجاه سال سوگواری او بر عزای اما  
 حسین<sup>(ع)</sup> است. سوگ سروده‌هایی که با تمام وجود غمگانه، فریاد اندوهی غریبانه  
 در طول تاریخند.

شها غم حسین تو درید پرده دلم  
 سرشته گشته از ازل به ذکر ماتمش گلم  
 به غیر گریه در غمش به دهر نیست حاصلم  
 مصور است کربلا همیشه در مقابلم  
 (همان: ۱۵۵)

آنگونه که درباره‌اش گفته‌اند، انتخاب تخلص «ملال» به واسطه علاقه و عشق مفرط به حسین بن علی<sup>(ع)</sup> و تأثیر شگرفی است که مصائب آن امام همام بر قلب و روح او داشته که این خود نشان دهنده ملال خاطر او از رنج‌های وارده بر امام حسین<sup>(ع)</sup> و خاندان وفادار اوست. این عشق و علاقه و ارادت به حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup>، با تاروپود وجود و شعر میرزا ملال درآمیخته و به انحای مختلف در میان اشعار و سوگ سروده‌های او بروز و ظهور یافته است.

از غم آل نبی ملال جگرخون

کار به شادی روزگار ندارد

(همان: ۲۰۸)

ملال! از این مصیبت آه وزاری

بکن تا فرصتی امروز داری

(همان: ۲۱۱)

وی خویش را در همه زمان‌ها و مکان‌ها، عزادار و نوحه‌خوان عاشورایی می‌داند و معرفی می‌کند:

بهار و عید نوروز است و یاران جمله در عشرت

من از غم منزل اندر گوشه بیت‌ال‌حزن دارم

(همان: ۲۰۹)

ملال از بس که نالید از غم اولاد پیغمبر

بهار غم رسید، ای چشم یک دم فکر طوفان کن

(همان: ۲۲۰)



از غم آل نبی ملال جگرخون

کار به شادی روزگار ندارد

(همان: ۲۰۸)

ملال در اقامه عزای حسینی خویش را تنها نمی‌داند و همگان را دخیل این عزاداری  
درمی‌یابد:

بیابنشین ملال! از این مصیبت یک زمان ساکت

که آهت سوخت قلب ساکنان عرش اعلا را

(همان: ۲۱۷)

بس کن ملال! نوحه کز این نظم سوزناک

از بام سدره ناله پیر و جوان گذشت

(همان: ۲۱۷)

از ذکر ماتم شه لب تشنگان ملال

انشا نکرده خامه و دفتر گریسته

(همان: ۱۹۴)

او عمری دراز را به مداحی خاندان عصمت و طهارت مشغول بوده و از غمی غریب  
دم زده است. او نچواگر سوگ سروده‌هایی حماسی و غمگنانه بوده و آن را حلاوت جان  
و دل خویش می‌داند:

ذکر مصیبت شه لب تشنه بر ملال

صدره خوش است از شکر و شیرای فلک

(همان: ۱۲۴)

در این ماتم ز سوز دل شب و روز و گه و بی‌گه

ملال ناتوان با دیده خونبار می‌گرید

(همان: ۱۸۵)

وی خویش را منحصر به بندگی و نوکری خاندان پیغمبر می‌داند:

سر خط نوحه سرایی شه تشنه ملال

به کف از مرحمت خالق یکتا دارم

(همان: ۲۴۰)

ملال! چون در این گلشن ندیدم غنچه خندان

بگیریم بهر شاه تشنه تا جان در بدن دارم

(همان: ۲۰۹)

ملال در این دنیا و در عقبا به مرحمت الهی و لطف بی‌پایان حضرت ارباب بی‌کفن  
امیدوار است:

از روز رستخیز چه غم داری ای ملال

پرویشگاه دست تن است و دامن ذریه رسول

(همان: ۷۵)

ز تنگنای لحد ای ملال نیست ملالم

اگر به داد رسد لطف عام شاه شهیدم

(همان: ۲۰۸)

و از خداوند متعال گرم‌زبانی را در راه عرض ارادت به سید و سالار شهیدان مسئلت

می‌دارد:

عفو جرم من شرمنده ز رحمانی کن  
نطقم از ذکر حسین گرم سخندانی کن

(همان: ۱۷۱)

او مداحی و ستایش پیشگی خاندان عصمت و طهارت<sup>(ع)</sup> را رزق و روزی حق  
می‌داند که می‌تواند به شمول رحمت الهی منتهی شود:

ز بس خون در دل از داغ شهید کربلا دارم  
رگ ابر بهارم گریه‌هایی بر ملا دارم  
ملال! ار در دو عالم من سیه روی و گنه‌کارم  
چه مداح حسینم، چشم رحمت از خدا دارم

(همان: ۲۱۳)

که گمان داشت که با یک دو جهان جرم ملال  
قابل بندگی آل پیمبر گردد  
هرکه زد دست به دامان حسین همچو ملال  
لطف حق شامل او در صف محشر گردد

(همان: ۲۰۹)

ملال از ناامیدی در صف هنگامه محشر  
به لطف شاه مظلومان بود امیدوار امشب

(همان: ۱۸۹)

میرزا احمد ملال با ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> دمخور و دمساز بوده و با  
تمام وجود با آن عجین شده و از نظم گریه خیز خویش خونابه‌ها روان ساخته است:

## نظر کن یا حسین از لطف سویم

که اندر تعزیت خوانی ملالم

(همان: ۲۳۸)

بس کن ملال نوحه که از چشم جنّ و انس

خوناب دل روان شد از این نظم گریه خیز

(همان: ۱۹۸)

ملال از بس که نالد زین عزاروز و شب از آهش

به پا بزم عزا در نه رواق هفت منظر شد

(همان: ۲۲۴)

ملال خلوتی عارفانه با حضرت ارباب بی کفن دارد و با امام حسین<sup>(ع)</sup> غمگانه

سخن می گوید و از هول روزهای ناشناخته پیش روی، سخن به میان می آورد:

دریاب حسین دم مردن ملال را

کو همچونی همیشه بنالد برای تو

(همان: ۱۲۶)

یکی دیگر از جلوه های خواندنی شعر میرزا احمد ملال، حضور ساده و غریبانه

عشق ورزی او با امام غریب، امام رضا<sup>(ع)</sup> است:

نه هر غریب است ای مسلمانان

رضاست آن که غریب است غمگسار غریب

ملال گریه کند بر رضا غریبانه

چراکه بود به هنگام احتضار غریب

(همان: ۲۱۷)

مرتضی خوی و حسن خلق و حسینی سیرت

عابدین تقویت از تقوی و باقر خلقت

مظهر ذات خداوندی و جعفرتبت

هشتمین قبله چون قبله هفتم‌کردار

(همان: ۱۷۰)

## ۸. نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات و درون‌مایه‌های ارزشمند شعر فارسی، پرداختن به آموزه‌ها و اندیشه‌های آیینی بوده که برترین آن‌ها اشعار عاشورایی است. از روزگار کسایی مروزی در قرن چهارم تا دوران معاصر، شاعران فارسی‌زبان در قالب‌های مختلف شعری بدان پرداخته‌اند. یکی از این شاعران کمتر شناخته‌شده و گمنام، میرزا احمد ملال دزکی، شاعر قرن ۱۲ و ۱۳ هجری قمری است که در حوزه ادبیات آیینی و عاشورایی با عشق و ارادتی مثال‌زدنی، توان شعری‌اش را به منصب ظهور رسانده است. میرزا احمد شاعری است که می‌توان او را از پیش‌گامان نگاه عرفانی به نهضت عاشورا برشمرد که پیش از عمان سامانی و صفی‌علیشاه اصفهانی در این عرصه قلم زده و توان خویش را نشان داده است؛ هرچند این اندیشه او در مراحل نخستین و در گام‌های بعدی تکامل می‌یابد.

## منابع

۱. بنی طالبی دهکردی، احمد (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر شناخت شهرکرد. تهران: آزاد مهر.
۲. شایان، علی‌رحم (۱۳۷۸). پارسی سرایان بنام ایران. ج ۲. چ ۲. فرخ شهر: جهان بین.
۳. عمان سامانی، نورالله (۱۳۸۷). مخزن الدرر. به کوشش فریدون حداد سامانی. سامان: عمان سامانی.
۴. ملال دزکی، میرزا احمد (۱۳۷۸). دوازده بند. به کوشش علی‌رحم شایان. چ ۲. فرخ شهر: جهان بین.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹). دیوان اشعار. به کوشش مصطفی ملالی دزکی. اصفهان: گلبن.
۶. نظامی عروضی (۱۳۶۹). چهارمقاله. به کوشش محمد معین. چ ۱۰. تهران: امیرکبیر.